

شرق

روزنامه

بازدید خبرنگاران و عکاسان از ایستگاه متروی برج میلاد یک روز قبل از آغاز بهره‌برداری / عکس: علی حدادی‌امل، آتا



یادداشت

آزار جنسی کودک کار

اجتماعی خاص و پولداربودن و زندگی مثلا لاکچری به خود اجازه داده که فردی دیگر را که نسبت به او در موقعیت فرودستی قرار دارد، وادار به عملی کند که کاملا غیراخلاقی است.

جدا از وقاحت تأسف‌بار این مرد، او و دوستش درواقع طبقه‌ای موسوم به ژن خوب را به تصویر می‌کشند که به صرف اتکایش به طبقه‌ای که در آن قرار دارد، به خود اجازه می‌دهد به طور مطلق هر آنچه دلش می‌خواهد، انجام دهد. این دیگر از فرهنگ نوکیستی گذشته و به مرزهای اخلاقی و انسانی دست یازیده است. کدام جایگاه و کدام حاشیه امن به این مرد اجازه می‌دهد چنین بی‌پروا، درخواست وقیحانه خود را به سمت یک کودک، آن هم کودک کار که در بدترین و غیرانسانی‌ترین شرایط زیستی قرار دارد، مطرح کند؟ آیا گذشته از طبقه اجتماعی، این شخص به عنوان یک فرد مستعمل و در سنی که کاملا عاقل و بالغ محسوب می‌شود، از دیدمی‌ترین حقوق یک انسان آگاهی ندارد؟ یا اشراف دارد و برایش فاقد ارزش و اهمیت است؟ آیا این شخص حاضر است در موقعیت مشابه مثلا خواهرزاده، برادرزاده یا عضو دیگری از خانواده خود را دعوت به این کار کند؟ یا جایگاه لغزان یک کودک کار است که او را بی‌محایا به چنین عمل زشتی وامی‌دارد؟ قانون دراین‌باره چه می‌گوید؟ آیا حق شکایت برای این دو کودک محفوظ است؟



زهر ا مشتاق

جوانی که گفته می‌شود فرزند یکی از مدیران ارشد یک سازمان مهم است، در قبال دادن پولی به یک کودک کار، از او می‌خواهد که اندام جنسی خود را به او نشان دهد. کودک بی هیچ مقاومتی برهنه می‌شود و مقابل این مرد جوان و دوستش که به نظر می‌رسد در یک اتومبیل مدل‌بالا نشسته‌اند، به همان شکل آزاردهنده و مقابل دوربین موبایل او شروع به رقص می‌کند. کمی بعد یک کودک دیگر می‌رسد، مرد جوان او را هم تشویق به برهنه‌شدن می‌کند. کودک ابتدا کمی گیج به نظر می‌آید. اما به کودک دیگر که ابتدا کمی می‌کند، ماجرا برایش عادی تر می‌شود. زیب شلوارش را باز می‌کند و خود را جلوی دوربین نشان می‌دهد. مرد جوان و همراهش باور نمی‌کنند موفق به شکار چنین صحنه‌ای شده‌اند و ذوق‌زده، نه بلندی گفته و خوشحال، دو پسر را وادار به رقص و تکان دادن خود می‌کنند.

این اتفاق تنها یک آزار جنسی وقیحانه است؛

بلکه یک هتک حرمت عمومی نیز محسوب می‌شود.

مرد جوانی که به‌ صرف تعلق به یک پایگاه

سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۹ • ۱ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ • ۱۷ نوامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۶۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۱۵
اذان صبح فردا ۵:۱۶ • طلوع آفتاب ۶:۴۳
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو

نور نوشت

اول این هفته، یکی از روزنامه‌های تهران، عکس بزرگی از یک گاو شیریده با صورت پادشاه عربستان سعودی گذاشته بود که ترامپ در حال دوشیدن آن است. در همان روز، تیتراهایی با محتوای توهین‌آمیز برای رهبران عربی، در برخی رسانه‌های ایران دیده شد. این در حالی است که ظریف، ابراولویت سیاست خارجی کشورمان را بهبود روابط با همسایگان، قلمداد می‌کند. دبیرخانه شورای امنیت ملی هم که در موضوعات متنوع، توصیه برای رسانه‌ها صادر می‌کند، گویا در این باره احساس وظیفه نکرده است. نظارت بر رسانه‌ها، کلا در ید بسط دولت است و رسانه‌ای خارج از دولت نیست که «خبر مرگش» تیتز بزند و گاو شیریده بکشد؛ پس همه چیز از چشم حاکمیت دیده می‌شود!

وقتی در سال ۹۲ آقای روحانی رئیس‌جمهور شد، توصیه اکید و مستمر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، تحسین روابط با بلوک عربستان سعودی بود که متأسفانه دولت آن را پشت گوش انداخت، چراکه این تصور نادرست را داشت که تحسین روابط با کدخدا، همه اینها را حل خواهد کرد. چون که صد آمد، نود هم پیش ماست! اشتباهات پیاپی در ارتباط با همسایگان ناراضی عرب، بهترین موقعیت را برای رژیم تندرو اسرائیل فراهم کرد که با استفاده از فرصت طلایی صدارت ترامپ، فضای تلخ و ناگواری برای ایران پدید بیاورد و اثرات تحریم را دوجندان کند و البته شرایط برای شکستن تابوی ارتباط اعراب با اسرائیل، به خوبی مساعد شود. کسی چه می‌داند؛ اگر به توصیه آن مرد خردمند عمل می‌شد، شاید فجاج دهشتناک یمن هم رخ نمی‌داد.

در این میان رسانه‌های داخلی، نتوانستند یا نخواس‌تند این خطب استراتژیک دولت را پیایی گوشزد کنند و فشار رسانه‌ای برای رهنیز از تعمیق تقابل و ایجاد فضای مساعد برای نزدیکی با اعراب بیاورند. حال برخی رسانه‌های تندرو، پا را فراتر نهادند و تحریک و هراساندن آنها را وجهه عمل خود قرار دادند. تیتز صفحه اول یک روزنامه درباره تهدید موشک‌باران شهرهای عربی، اوج آتارشیسم رسانه‌ای بود که پناه‌بردن به دامن اسرائیل از ترس ایران را تشدید کرد. شما فکر می‌کنید اثر تیتز «موشک‌ها در راه است؛ دویی، ابوظبی و ریاض را تحلیل‌ه کنید»، چه نتیجه‌ای جز غلتیدن به دامن اسرائیل می‌توانست داشته باشد.

اوایل دهه ۷۰ که خبرنگار بودم، آقای ولایتی، وزیر امور خارجه بود و می‌گفت وقتی روزنامه‌های ما، مطلبی توهین‌آمیز برای رهبران عربی چاپ می‌کنند، مطبوعات عرب هم تحریک می‌شوند که تلافی کنند و آن وقت ما ناراحت می‌شویم. در دولت سازندگی، به مطبوعات توصیه شده بود از چاپ کاریکاتور و مطالب موهن درباره مسئولان کشورهای عربی خودداری کنند و این امر غالبا رعایت می‌شد.

سیاست دولت سازندگی، بهبود جدی روابط با عربستان سعودی و دیگر دولت‌های عربی بود. آقای هاشمی به‌ج‌بر این امر باور داشت که دو کشور

دیپلماسی رسانه‌ای در عالم همسایگی!

ایران و عربستان، چون دو بال پرواز برای جهان اسلام، می‌توانند روابط عمیق و برادرانه داشته باشند. مصلحت کشور و نظام ایجاب می‌کرد روابط سیاسی با همسایگان عرب، با وجود رقابت جدی برای افزایش نفوذ منطقه‌ای که ریشه ایدئولوژیک هم داشت، به بهترین شکل ترمیم شود و این کار با مهارت خاص هاشمی‌رفسنجانی به انجام رسید. گشایش‌هایی که تحسین روابط با عربستان در آن دوره برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی پیش آورد، اعجاب‌آور بود. سفرهای هاشمی به عربستان در دولت اصلاحات، دست‌خاتمی را در منطقه باز کرد و بسیاری از توفیقات منطقه‌ای جمهوری اسلامی در سال‌های بعد، حاصل این گشایش بود. اگر در دولت احمدی‌نژاد این روابط تخریب نشده بود، به‌طور قطع و یقین، امروز چنین وضعیت اسف‌باری در ارتباط با همسایگان را شاهد نبودیم. تأسیس تلویزیون ایران‌اینترنشنال با اثرگذاری منفی درخورتوجه بر طبقه متوسط، فقط یکی از آثار این روابط مخرب است.

شاید تیم ظریف گلایه‌مند باشد که دولت، یک ضلع از مجموعه تصمیم‌گیر برای سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی است و اضلاع دیگر، با قدرت و اثرگذاری بیشتر، حضور مقتدر دارند. گرچه معتمد کلیات این گزاره درست است، اما اصلا کم‌کاری و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف توسط دستگاه رسمی سیاست خارجی را توجیه نمی‌کند. از همین ظرفیت هم‌گرادن رسانه‌های داخلی دولت چه استفاده‌ای برده؟ اصلا وارد این فضا شده است؟ حتی از همین فرصت چندصدایی موجود رسانه‌ها هم می‌توان برای بهبود روابط بهره برد، اما چنین خلافتی مشاهده نمی‌شود. دیپلماسی رسانه‌ای که در دنیا حرف اول را می‌زند، چه جایگاهی در دستگاه وزارت خارجه داشته است؟ تیم رسانه‌ای دولت روحانی ضعیف است و

تیم رسانه‌ای جواد ظریف، ضعیف‌تر. با ورود به عصر اطلاعات، رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های متعامل، دارای قدرت بیشتری شده‌اند. دیپلماسی رسانه‌ای با تأثیرات بی‌نهایت گسترده، امتداد دیپلماسی هر کشور با هر نظام رسانه‌ای و در هر نظام سیاسی- حاکمیتی است. رسانه‌ها هم‌زمان با اعمال فشار بر مقامات، به دستگاه دیپلماسی کمک می‌کنند تا به اهداف خود دست یابند. در دنیا، عملکردهای ناخفته بین اصحاب رسانه و تیم سیاست خارجی ایجاد شده که اگر دستگاه دیپلماسی، پیام‌ها و گفت‌مان‌های خود را از طریق رسانه‌ها منعکس کند و انتشار دهد، سریع‌تر و گاه بسیار پرنفوذتر به نتایج مورد انتظار دست خواهند یافت؛ کاری که در دولت روحانی، چندان که انتظار می‌رفت، مورد استفاده واقع نشد.

ماه‌های باقی‌مانده از عمر دولت روحانی، دیگر فرصت نقش‌آفرینی بزرگ در دیپلماسی رسانه‌ای را نمی‌دهد، اما دست‌کم این انتظار می‌رود که وزارت امور خارجه از اقدامات مخرب جلوگیری کند. برخی رسانه‌های تندرو داخلی اگر به نقش مخرب خود در اثرگذاری فشار حداکثری و تحریم‌ها واقف بودند، چنین غیرمسئولانه فضای همسایگی را پُرآشوب‌تر نمی‌کردند. برای این رسانه‌ها، ترجیح منفعت‌های محفلی و جناحی به منافع ملی، لایذ گران تمام خواهد شد.

روزگار کرونایی

روال عادی زندگی در زمستان سال آینده

سراسر جهان ارسال شود و تازه از آن زمان است که می‌توان تأثیر واکسن را دید. میشل رابرتز، سردبیر بخش سلا‌ت بی‌بی‌سی، معتقد است که باید به چند نکته مهم درباره اخبار مربوط به واکسن کرونا توجه کرد. اول اینکه هنوز مشخص نیست مقام‌های بهداشت جهانی عملکرد این واکسن را تأیید می‌کنند یا نه. مسئله دوم این است که هنوز اطلاعاتی منتشر نشده که نشان دهد این واکسن بر سالمندان هم مؤثر است یا نه. هرچه باشد، آنها بیشتر از بقیه گروه‌های سنی در خطر این بیماری هستند. نکته سوم این است که مشخص نیست کسانی که واکسن به آنها تزریق می‌شود، آیا همچنان ناقل ویروس به دیگران می‌توانند باشند یا خیر. نکته چهارمی که هنوز درباره این واکسن مشخص نیست، این است که آیا این واکسن احتیاج به تزریق سالانه دارد یا فقط یک بار استفاده از آن کافی است تا فرد در تمام عمر نسبت به این بیماری ایمن شود. آقای شاهین هم به نظر می‌رسد که پاسخ مشخصی برای این سؤال‌ها ندارد. او گفته چند هفته‌ای طول می‌کشد تا بتوانند برای این سؤال‌ها، پاسخی داشته باشند. او گفته بعضی از افراد که در آزمایش این واکسن حضور داشتند، عوارض جانبی داشته‌اند. مثلاً درد در ناحیه تزریق و تب. اما عوارض جانبی به حدی نبوده که آنها بخواهند آزمایش‌ها را متوقف کنند. به جز واکسنی که این دو شرکت در حال ساخت آن هستند، ۱۰ شرکت دیگر هم واکسن‌هایی درست کرده‌اند که در مرحله آزمایش هستند.



دواز این واکسن به

دغدغه‌های طبیبانه

زنده‌باد دموکراسی



عبدالرضا نامر مقدسی

متخصص مغز و اعصاب

● کرونا شکل و شمایل همه چیز را عوض کرده است. شاید ما که داریم این دوران را سپری می‌کنیم و به‌شدت درگیر جنبه‌های جسمانی و مرگ‌ومیر ناشی از آن هستیم، آن‌طور که باید و شاید متوجه تغییرات عظیمی که کرونا در عرصه‌های مختلف به وجود آورده است، نشویم. اما همه این تغییرات بی‌شک دستمایه تحقیقات و کتاب‌های بی‌شماری خواهد شد که آیندگان در مورد این روزهای انسان‌ها خواهند نوشت. وقتی با فاصله‌ای زمانی به موضوع نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که اتفاقات بی‌شمار و متنوع این دوره چه درهم‌تنیدگی‌ای با یکدیگر داشته و چگونه زندگی ما را دست‌خوش تغییر کرده‌اند. یکی از جالب‌ترین و در عین حال تأمل‌برانگیزترین این اتفاقات انتخابات آمریکا‌ست. بسیاری از کشورها هر یک به دلیلی با دلواپسی به انتخابات آمریکا نگاه می‌کنند. عده‌ای به دنبال ماندن «ترامپ» و عده‌ای دیگر به دنبال رفتن او هستند و هر یک هم دلایلی دارند. ما ایرانی‌ها هم به دنبال رفتن «ترامپ» هستیم به این امید که تحریم‌ها کمتر شود و گشایشی در اقتصاد و وضعیت روزمره این مردم حاصل شود. گرچه بی‌مسئولیتی مدیران چندان امیدی را باقی نمی‌گذارد و تا درون این مملکت اصلاح نشود در بر همان پاشنه پیشین خواهد چرخید. اما فارغ از مشکلات هرروزه ما، رفتن «ترامپ» را باید جزئی از دغدغه‌های طبیبانه نیز محسوب کرد. «ترامپ» در مدت چهار سال رئیس‌جمهوری خود دست به اقداماتی زد که شاید در کوتاه‌مدت به بهترشدن وضعیت اقتصادی آمریکا منجر شد، اما عواقب آن در درازمدت بی‌شک به ضرر سلامتی گونه انسان است. خروج وی از معاهدات بین‌المللی به‌خصوص معاهدات مربوط به محیط زیست شاید جز، پرمخاطره‌ترین اقدامات او در این چند سال بوده است. اینکه سلامتی بشر را کاملاً اقتصادی کنیم و دیدی درازمدت نداشته باشیم عملاً نتیجه‌ای جز بحران‌های زیست‌محیطی که به‌شدت سلامتی انسان را تهدید می‌کند، نخواهد داشت. یادم‌ان نرود بحران پاندمی کرونا‌یی که اکنون این‌گونه درگیر آن هستیم حاصل دخالت‌های بیجای بشر در محیط زیست است.



اینکه نتوانیم وابستگی عمیق خود را به طبیعت درک کنیم حاصلی جز بیماری و ویرانی نخواهد داشت. به هر صورت خوشبختانه نتیجه انتخابات آمریکا نشان می‌دهد که سردمدار این برقدرت‌ترین کشور جهان دیگر کسی با افکار «ترامپ» نخواهد بود و شخصاً بسیار امیدوارم که در دوره‌های بعدی نیز پدیده‌ای مشابه رخ ندهد؛ اگرچه رای سنگین آمریکایی‌ها به «ترامپ» عملاً چنین امیدی را کمرنگ می‌کند. اما اتفاق بزرگی که در آمریکا افتاد، پیروزی دموکراسی و قانون بر همه چیز بود. این انتخابات نشان داد که در یک نظام دموکراتیک این قانون است که حرف اول و آخر را می‌زند و هیچ‌کس حتی رئیس‌جمهور پرقدرت آن نیز نمی‌تواند از قانون فراتر برود. همین حالا هم مشاهده می‌کنیم که تمام تلاش‌های «ترامپ» برای اینکه رای را به نفع خود بازگرداند، عملاً به دلیل نداشتن وجاهت قانونی به شکست منجر شده است. آزادی و دموکراسی دیگر نباید به‌عنوان یک روش سیاسی تلقی شود. آزادی و دموکراسی جزئی از روح انسانی است و هرگونه مخالفتی با آن، مخالفت با روح و هویت انسان است. آزادی دموکراسی می‌تواند بهترین‌ها را ممکن را برای انسان به ارمغان بیاورد. سلامت انسان نیز در گرو آزادی اوست. اکنون به‌خوبی می‌دانیم که مفهوم سلامت بسیار وسیع‌تر از سلامتی فیزیکی بوده و ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل می‌شود. کسی سالم است که ناهتیه بدن سالمی نداشته باشد؛ بلکه از روان و فرهنگ درستی نیز برخوردار باشد و قابل توجه است که این روان و فرهنگ تأثیر مستقیمی بر سلامت جسم می‌گذارد. مشخص است که جامعه‌ای که آزادی جزئی ضروری از بنیان‌های آن باشد و این آزادی توسط دموکراسی محقق شود می‌تواند تضمین‌کننده سلامت مردم خود نیز باشد. پس آزادی انسانی مفهوم و دغدغه‌ای به‌شدت طبیبانه است و هر جا که محقق شود، انسان را به سالم‌بودن نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند. انسان برای درک این موضوع راهی بسیار طولانی آمده و برای تحقق کامل آن راهی بسیار طولانی‌تر پیش‌رو دارد.